نشنال اینترست بررسی کرد

تغییر بازی قدرت‌ها در خاورمیانه

موضوع تعهد آمریکا در قبال خاورمیانه پس از تهاجم روسیه به اوکراین با دیگر به مرکز توجهات بدل شده و منجر به عدم تمایل شرکای منطقه ای ایالات متحده در مورد مواردی مانند محکومیت تجاوز روسیه، حفظ سطح فعلی تولید نفت و غیره شده است.

به گزارش انتخاب ، نشنال اینترست می‌نویسد که در چند هفته گذشته تحلیل‌های متعددی منتشر شده که از «تعهد مجدد» آمریکا به منطقه صحبت و استدلال می‌کنند اصلاح این روابط مسئولیت واشنگتن است. مقاله ای که اخیراً در وال استریت ژورنال منتشر شد، می‌گوید ایالات متحده باید «اعتماد به عزم آمریکا» را در میان شرکای منطقه ای تقویت کند، و این کار مستلزم تمایل به استفاده از «زور و ارعاب به عنوان ابزار دیپلماسی» است.

دیگران استدلال کرده‌اند که اگر آمریکا این کار را نکند، رقبایی مانند چین از نظر استراتژیک جایگزین آمریکا خواهد شد. به همین ترتیب، شرکای منطقه‌ای ایالات متحده این روایت را پیش می‌برند که این تنش‌ها در نهایت نتیجه اقدامات واشنگتن است. این امر با درخواست‌های این کشورها از ایالات متحده برای افزایش تعهد امنیتی خود به منطقه همراه شده و در نهایت عربستان سعودی و امارات متحده عربی درخواست یک معاهده دفاعی رسمی با آمریکا را مطرح کردند و در صورت عدم امضای چنین توافقی، خطر تغییر بیشتر رویکرد این کشورها به سمت مسکو و پکن وجود دارد. مایک پمپئو، وزیر امور خارجه سابق آمریکا، اندکی پس از انتشار گزارش این درخواست‌ها، مقاله‌ای نوشت و در آن استدلال کرد که آمریکا این کشورها را «به عنوان متحدانی مایل به ادامه اتحاد» بپذیرد، مبادا این منطقه را به روسیه یا چین واگذار کنیم.

پیمان دفاع متقابل، مانند پیمان آمریکا با متحدان اروپایی و آسیایی، بین آمریکا و این کشورهای خاورمیانه وجود ندارد. بدون شک، دلیل اصلی تمایل این کشورها به تعهد رسمی‌تر این است که در صورت قانونی شدن چنین پیمانی، حمایت تزلزل‌ناپذیر ایالات متحده تضمین شده خواهد بود بدون توجه به اینکه کدام حزب در قدرت باشد. علاوه بر این، با وجود چرخش اولویت آمریکا به سمت اروپا و شرق آسیا، چنین حمایتی ادامه خواهد داشت. با این حال، چنین تعهدی قطعاً به نفع ایالات متحده نیست. نه تنها خطر گرفتار شدن ایالات متحده در رفتار این کشورها را دارد، بلکه چنین تعهدی آمریکا را رسما متعهد به منبع اصلی بی ثباتی در خاورمیانه یعنی اقتدارگرایی این کشورها می‌کند.

واشنگتن باید اساساً در رویکرد خود در قبال خاورمیانه تجدید نظر کند، زیرا ایالات متحده وارد دوره جدیدی از رقابت ابرقدرتی با روسیه و چین می‌شود. به جای خطر واقعی روی آوردن این کشورها به مسکو یا پکن به عنوان ضامن اصلی امنیتی خود یا ضدیت احتمالی با آمریکا، ما در واقع شاهد سواستفاده از سیاست قدرت‌های بزرگ توسط این بازیگران به امید کسب امتیاز ناشی از ترس از دست دادن موقعیت نسبی آمریکا در برابر روسیه یا چین است. یک تعهد امنیتی رسمی بالاترین امتیازی است که آنها می‌توانند به دست آورند. علاوه بر این، ایالات متحده باید بپذیرد که حمایت تاریخی اش از این بازیگران خودکامه به طور چشمگیری برای منافع خودش اثر معکوس داشته و به این دولت‌ها اجازه می‌دهد بدون مجازات در داخل و خارج از کشور عمل کنند.

خاورمیانه،خودکامگی،رقابت‌ابرقدرت‌ها

بازگشت رقابت قدرت‌های بزرگ به خاورمیانه - و ظهور مجدد چندقطبی جهانی به طور کلی - اکنون یکی از متداول‌ترین دلایلی است که چرا ایالات متحده باید عمیقاً در منطقه درگیر بماند. پنتاگون نسبت به گسترش حضور چین و روسیه در خاورمیانه ابراز نگرانی کرده و به طور فزاینده ای شرکای منطقه ای خود را به دلیل تعامل با پکن و مسکو تحت فشار قرار داده است. برت مک گورک، هماهنگ‌کننده کنونی کاخ سفید برای خاورمیانه و شمال آفریقا، استدلال می‌کند که این مشارکت‌ها «مزیت نسبی منحصربه‌فردی» را در مقایسه با رقبای بزرگ در منطقه به ایالات متحده می‌دهد. پیام‌های این مقامات یک موضوع مشترک را نشان می‌دهد: هرچه بیشتر ایالات متحده از خاورمیانه و شرکای منطقه‌ای‌اش فاصله بگیرد، روسیه و چین بیشتر به دنبال پر کردن این خلأ خواهند بود. شرکای منطقه‌ای آمریکا نیز احساسات مشابهی را ابراز کرده‌اند، و استدلال می‌کنند که دادن تضمین حمایت قوی از سوی آمریکا به این کشور امکان می‌دهد بخش زیادی از بار فعالیت‌های منطقه‌ای خود را به آنها منتقل کرده و اولویت راهبردی خود را از خاورمیانه تغییر دهد، اما در عین حال تهدید می‌کنند که در صورت عدم حمایت، آنها «به جای دیگری روی خواهد آورد».

بدون شک، روسیه و چین در دهه گذشته حضور خود را در خاورمیانه به طور قابل توجهی گسترش داده اند. با این حال، نه روسیه و نه چین قادر به پر کردن «خلأ» آمریکا در خاورمیانه نیستند و تمایلی هم به این کار ندارند. همانطور که قبلاً بحث کرده‌ام، روسیه و چین از نظم امنیتی به رهبری ایالات متحده در خاورمیانه سود می‌برند - آنها فرصت‌طلب هستند، نه تجدیدنظرطلب - و هیچ یک از آنها قادر یا مایل به ایجاد و حفظ نظم سیاسی و امنیتی جدید در منطقه نیستند. همانطور که تجربه آمریکا در خاورمیانه نشان داده است، نظم منطقه‌ای که توسط یک هژمون خارجی حمایت می‌شود، مستلزم حجم عظیمی از منابع سیاسی، اقتصادی و نظامی است. هم روسیه و هم چین با مشکلات اقتصادی قابل توجهی در داخل، به ویژه مسکو پس از تهاجم فاجعه بار به اوکراین، مواجه هستند. مسکو و پکن به دلیل ماهیت اقتدارگرایانه دولت‌های خود تضعیف شده‌اند و برای حفظ اقتدار خود باید منابع زیادی را به پلیس داخلی اختصاص دهند. علاوه بر این، بسیاری از پیشرفت‌های روسیه و چین در خاورمیانه به دلیل دسته بندی کردن سیاست‌های خارجی‌شان در ممنطقه است اما در صورت حذف ضامن اصلی امنیت این منطقه، یعنی آمریکا، آنها دیگر امکان عدم جانبداری در بسیاری از رقابت‌های ژئوپلیتیکی منطقه را نخواهند داشت. کشورهای منطقه، محدودیت‌های روسیه و چین را درک کرده و آنها را جایگزین مناسبی برای واشنگتن نمی‌دانند: در عوض، آنها به دنبال سواستفاده از بازی ابرقدرتها برای پیشبرد اهداف استراتژیک خود هستند. در واقع، شرکای مستبد آمریکا در منطقه به دنبال سواستفاده از نگرانی واشنگتن در مورد از دست دادن موقعیت خود نسبت به روسیه، چین، و در نتیجه نوعی «اهرم معکوس» بوده‌اند. اقدامات این بازیگران منطقه‌ای پس از تهاجم روسیه به اوکراین را هم باید در همین چارچوب بزرگتر بررسی کرد. اقدامات شرکای خاورمیانه‌ای ما از زمان تهاجم کاملا گویا بوده است. اول تصمیم امارات متحده عربی در دادن رای ممتنع - در کنار چین و هند – به قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد (UNSC) در محکومیت حمله مسکو به اوکراین بود. انور قرقاش، وزیر امور خارجه سابق و مشاور فعلی رهبری امارات، توضیح داد که امارات در مناقشه طرفی نخواهد گرفت و گفت این کار «تنها به خشونت بیشتر منجر خواهد شد.» در ازای این رای ممتنع، روسیه با امارات متحده عربی در رای شورای امنیت سازمان ملل متحد شد تا جنبش حوثی یمن را به عنوان یک سازمان تروریستی معرفی کند. مدت کوتاهی پس از رای ممتنع ابوظبی، وزارت امور خارجه روسیه بر روابط قوی خود با امارات تاکید کرد. وزیر امور خارجه امارات در جریان سفر به مسکو، تمایل خود را برای ادامه همکاری با روسیه در موضوعات مرتبط با انرژی ابراز کرد. علاوه بر این، از آنجایی که بسیاری از الیگارش‌های روسیه با موج‌هایی از تحریم‌های غرب مواجه هستند، به طور فزاینده‌ای تلاش کرده‌اند تا پول و دارایی‌های خود را به امارات متحده عربی منتقل کنند تا از چنین تحریم‌هایی اجتناب کنند. مقامات روسی و تجار نزدیک به ولادیمیر پوتین در حال حاضر دارایی‌های قابل توجهی در امارات متحده عربی دارند، امارات تاکنون از اجرای تحریم‌ها امتناع کرده است و تقاضای روس‌ها، فروش مسکن دراین کشور را به رکورد جدیدی رسانده است.

شرکای آمریکا در خاورمیانه همچنین درخواست واشنگتن برای افزایش تولید نفت را رد کرده اند، زیرا قیمت‌ها در سطح جهانی سر به فلک کشیده است. بنا بر گزارش‌ها، رهبران عربستان و امارات تماس با جو بایدن، رئیس جمهور این کشور را رد کرده و نشان دادند تا زمانی که واشنگتن امتیازاتی به آنها ندهد، به کاهش قیمت نفت کمک نمی‌کنند.

هم عربستان سعودی و هم امارات بر اهمیت ادامه هماهنگی با روسیه در زمینه نفت تاکید کرده اند. در میان تنش‌ها با واشنگتن، عربستان سعودی اخیراً از شی جین پینگ، رئیس‌جمهور چین برای بازدید از ریاض دعوت کرده است و ظاهراً پادشاهی در حال مذاکره با پکن برای پذیرش یوان چین به جای دلار آمریکا برای فروش نفت است.

با این حال، علیرغم ادعاهایی مبنی بر اینکه آمریکا به طور فزاینده ای منطقه را «ترک» کرده است، سیاست خاورمیانه ای ایالات متحده در دوران بایدن ریشه در تداوم داشته است نه تغییر. بایدن از مسئول دانستن محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی در قتل جمال خاشقجی خودداری کرده در حالیکه گزارش منتشر شده سیا مستقیماً او را در قتل دخیل می‌داند. همچنین به حمایت از عربستان سعودی و امارات در بحبوحه کارزار نظامی فاجعه بار آنها در یمن و فرو بردن این کشور در یک بحران انسانی ادامه داده است. و از مسئول دانستن کشورهایی مانند عربستان سعودی، مصر، امارات متحده عربی و سایر کشورها برای استفاده گسترده از فناوری نظارت و هک بر روی جمعیت خود و همچنین مخالفان، روزنامه نگاران و سیاستمداران خارج از کشور خودداری کرده است. دولت بایدن همچنین به ارسال کمک‌های نظامی و تسلیحات پیشرفته به منطقه ادامه داد و اعلام کرد که قصد دارد قرارداد دولت ترامپ برای فروش ۲۳ میلیارد دلاری تسلیحاتی (از جمله جت جنگنده اف۳۵) به امارات را اجرایی کند که در ازای عادی سازی روابط آنها با اسراییل بسته شده بود. تصویب بسته تسلیحاتی ۶۵۰ میلیون دلاری به عربستان سعودی؛ انتقال تعداد قابل توجهی از سامانه‌های ضد موشکی پاتریوت به عربستان سعودی؛ صدور مجوز ۲,۵ میلیارد دلار دیگر فروش تسلیحات به مصر، و تصویب فروش تسلیحاتی به ارزش نزدیک به ۵ میلیارد دلار به اردن، عربستان سعودی و امارات. اینها علاوه بر استقرار جت‌های جنگنده اف۲۲ و یک ناوشکن دریایی در امارات در پی حمله موشکی اخیر جنبش حوثی‌ها در یمن است. در دوره پس از حمله روسیه به اوکراین، ایالات متحده همچنان درباره حمایت خود به این کشورها اطمینان داده است. آنتونی بلینکن وزیر امور خارجه از محمد بن زاید ولیعهد ابوظبی به دلیل واکنش آمریکا به حملات حوثی‌ها به امارات عذرخواهی کرد. مدیر آژانس اطلاعات مرکزی، ویلیام برنز، به عربستان سعودی سفر کرد تا با بن سلمان برای «ترمیم روابط» ملاقات کند. و یک نیروی دریایی چندملیتی جدید برای گشت زنی در آبراه‌های استراتژیک اطراف یمن ایجاد شد که تا حدی برای قطع جریان تسلیحاتی حوثی‌ها طراحی شده بود.

تضاد اصلی در همینجاست: به دلیل بی ثباتی ذاتی حکومت‌های استبدادی، هیچکدام از این اقدامات برای این کشورها کافی نیست. سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه ریشه در دو رکن اساسی دارد: حمایت قاطع از دولتهای مستبد منطقه‌ای که ریشه در «افسانه ثبات استبداد» دارند و حمایت تزلزل ناپذیر از دولت اسرائیل. «افسانه ثبات استبداد» به این باور ناقص اشاره دارد که مستبدان خاورمیانه «می‌توانند با تحمیل نظم سیاسی و اجتماعی بر شهروندان فاقد قدرت از منافع آمریکا محافظت کنند».

تاکید باقری بر جدیت ایران در مذاکرات وین

مذاکره کننده ارشد ایران در مذاکرات وین گفت: جمهوری اسلامی ایران به همان اندازه که در مذاکرات جدی است، در عدم اعتماد به دشمن نیز مصمم است.

به گزارش ایسنا، علی باقری معاون سیاسی وزارت امور خارجه صبح امروز به همراه تعدادی از مدیران کل این وزارتخانه از نمایشگاه بین‌المللی نفت، گاز و پتروشیمی بازدید کرد.

معاون سیاسی وزارت امور خارجه در حاشیه این بازدید تصریح کرد: سیاست راهبردی خنثی‌سازی تحریم در کنار ابتکار هوشمندانه رفع تحریم، ترفند دشمن در متوقف‌سازی قطار توسعه همه‌جانبه کشور را ناکام گذاشته است. باقری در ادامه در تشریح سیر رسیدن به دانش خنثی‌سازی تحریم، گفت: اراده راسخ و توانمندی شگرف کارگزاران و متخصصان صنعت انرژی کشور، «هنر دور زدن تحریم» را که زمانی تنها ابزار این صنعت در مقابله با «تحریم هوشمند بوش» بود به «فناوری مقابله با تحریم فلج‌کننده اوباما» و سپس به «دانش برای خنثی‌سازی تحریم ناشی از کارزار فشار حداکثری ترامپ» تبدیل کرد و اکنون دیگر کشورهای تحت تحریم نیز به دنبال دریافت «دانش خنثی‌سازی تحریم» از ایران هستند. وی توان خنثی‌سازی تحریم را ایجادکننده قدرت بازدارندگی در برابر تحریم‌های ظالمانه عنوان کرده و گفت: «توانمندی دانشمندان و صنعتگران» در خنثی‌سازی تحریم، افزون بر آنکه «ظرفیت دیپلماسی» برای رفع تحریم‌ها را به‌شدت افزایش می‌دهد، «قدرت بازدارندگی» کشور در قبال تحریم‌های ظالمانه را به‌طور قابل ملاحظه‌ای ارتقا می‌بخشد. باقری تصریح کرد: «پایداری رفع تحریم‌ها» در گرو حفظ و ارتقای ظرفیت‌های سخت و نرم در خنثی‌سازی تحریم‌ها است. معاون سیاسی وزارت امور خارجه و مذاکره‌کننده ارشد کشورمان در مذاکرات رفع تحریم، همچنین گفت: جمهوری اسلامی ایران همان اندازه که در فرآیند مذاکرات و انجام تعهدات بین‌المللی از جمله در موضوع توافق برای رفع تحریم‌ها جدی است، در «عدم اعتماد به دشمن» و «عدم اتکا به بیگانگان» برای مصونیت از تحریم هم راسخ و مصمم است. عقلانیت انقلابی اقتضا می‌کند با عدم اعتماد به دشمن و عدم اتکا به بیگانگان، از همه ظرفیت‌های میدان دیپلماسی برای تامین منافع ملی استفاده کرد.

باقری در پایان گفت: وزارت امور خارجه افزون بر آن که یک تنه در میدان دیپلماسی با همه توان در پی «رفع حداکثری تحریم‌ها» است، در کنار دانشمندان و فناوران صنعتگران بخش انرژی کشور از همه، ظرفیت‌های بین‌المللی برای ارتقای توان کشور در «خنثی‌سازی تحریم‌ها» استفاده خواهد کرد.

نگرانی آمریکا درباره ترکیب فانتوم، تامکت و میگ-۲۹ ایران

یک وبگاه تحلیلی آمریکایی در گزارشی به بهبود و ارتقای سطح کیفی ناوگان جنگنده‌های نیروی هوایی ایران و افزایش توان دفاع هوایی کشورمان اشاره کرد.

به گزارش ایسنا، وبگاه تحلیلی ۴۵۱۹ در گزارشی با اشاره به توان دفاعی هوایی ایران نوشت: در حالی که آمریکا تحویل فانتوم F-۴ را به ایران پس از سقوط خاندان پهلوی منع کرد، نیروی هوایی ایران توانسته است جنگنده‌های خود را حفظ و حتی از طریق برخی تغییر و تحولات و [با کمک] شرکای دفاعی جدید، ناوگان خود را ارتقا دهد. ایران در نوامبر ۲۰۲۰، بمب‌های ۹۰۰ کیلوگرمی الکترواپتیکی و با قابلیت هدایت هوشمند «قاصد» را در رزمایش سالانه «مدافعان آسمان ولایت» به نمایش گذاشت. توان ایران در هدف قرار دادن بالقوه اهداف با دقتی که به طرز چشم‌گیری افزایش یافته است، تهدیدی جدی است. گزارش این وبگاه تحلیلی می‌افزاید: طبق گزارش آژانس اطلاعات دفاعی آمریکا، ناوگان فعلی F-۴ ایران باید هشداری برای دشمنانش باشد. این نهاد آمریکایی می‌گوید،« ایران برای تکمیل توانمندی‌های حمله دوربرد خود می‌تواند از نیروهای نیابتی منطقه‌ای و توانمندی حمله هوایی محدود برای حمله به زیرساخت‌های مهم دشمن استفاده کند. ایران میتواند از فانتوم‌های F-۴ خود برای حمله به دشمنان منطقه‌ای اش استفاده کند. اگرچه این فانتوم‌های نسبت به هواپیماهای جنگی مدرن در قبال دفاع هوایی آسیب‌پذیرتر خواهند بود.» در این گزارش همچنین آمده است: اگرچه ناوگان F-۴ در حال فرسودگی است، این جت‌های جنگی می‌توانند با موفقیت عملکرد بهتری نسبت به همتایانشان در منطقه داشته باشند. دست‌یابی ایران به سامانه‌های موشکی پیش‌رفته و هواپایه ضد کشتی یک تهدید به حساب می‌آید؛ به طور مثال، موشک کروز ضد ناو «نصر» ایران که تولید داخلی یکی از انواع موشک‌های C-۷۰۴ چین است. نیروی هوایی ایران همچنین موشک‌های کروز میان برد تولید داخل خود را ساخته است که از F-۴ پرتاب می‌شود. در پایان این گزارش آمده است: ناوگان فانتوم ایران در ترکیب با اسکادران‌های جنگنده F-۱۴ و MiG-۲۹ ستون فقرات نیروی هوایی آن است و نباید دست کم گرفته شود.

کابوس بازگشت ترامپ برای امیدها به احیای برجام

«رامین فخاری» در یادداشتی برای دیپلماسی ایرانی نوشت که مایک اسپر، وزیر دفاع اسبق ایالات متحده آمریکا به تازگی مدعی شده که از حمله آمریکا به ایران و ونزوئلا و مکزیک ممانعت به عمل آورده، همچنین اسپر مدعی شده که به شهادت رساندن سردار قاسم سلیمانی به دلایل سیاسی و برای اخذ رای در سال ۲۰۲۰ انجام شده است.

نکته ای که باید یاد آوری کرد این است که ایران یک دوره بحرانی را در فاصله بین باختن ترامپ و روی کار آمدن جو بایدن را سپری کرد که هر لحظه نگرانی از امکان وقوع یک حادثه برای ایران وجود داشت؛ باید اضافه کرد نیت خوانی واقعی ترامپ از حادثه ای که ممکن بود برای ایران رخ بدهد کار دشواری بود و لی این احتمال می‌رفت که اگر در آن دوران دست الهی و بخت با ایران یار نبود چه بسا با پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ ایران هم اکنون شاهد روزهای بسیار دشوارتری نسبت به شرایط کنونی بود و چه بسا هم اکنون منازعه ایران و آمریکا وارد مرحله دشوارتری شده بود.

افزودن این مساله ضرورت دارد که هر گاه که یک جمهوری خواه در ایالات متحده آمریکا بر سرکار می‌آید سایه جنگ و تحریم بر سر ایران می‌افتد، حتی در دوران جورج بوش نیز بیم آن می‌رفت که ایران مورد حمله قرار بگیرد، اما به دلیل گرفتار شدن آمریکا در باتلاق عراق و افغانستان و مقاومت نیروهای نیابتی هوادار محور مقاومت در عراق در برابر آمریکایی‌ها و از طرف دیگر چهره موجه و حقوق بشری رئیس جمهوری وقت، عملا دولت بوش نتوانست ایران را مورد یورش قرار بدهد.

اما در دوران ترامپ با پدیده پیچیده تری به نام ترامپیسم مواجه بودیم که هر چند ایران و آمریکا وارد یک منازعه مستقیم نشدند اما با توجه به مساله به شهادت رسیدن سردار سلیمانی و حمله ایران به عین الاسد و مجوز آمریکا به رژیم صهیونیستی برای انجام عملیات پی در پی خرابکارانه و تروریستی در داخل خاک ایران و تحریم‌های کمرشکن، مسیر ایران و آمریکا به سمتی می‌رفت که شاید در دوره دوم ترامپ ایران و آمریکا وارد منازعه مستقیم نظامی شده بودند؛ علاوه بر این افزایش چالش‌های چین و آمریکا و نشستن ترامپ بر مسند ریاست جمهوری کاخ سفید در دوران حمله ولادیمیر پوتین به اوکراین احتمال افزایش منازعات در سطح جهانی که به یک جنگ جهانی دیگر و در نهایت به یک زمستان اتمی ختم می‌شد را بطور قابل ملاحظه ای افزایش می‌داد. ترامپیسم دشمن اصلی چند جریان بود که می‌توان این دو جریان را تحت چارچوب زیر نام برد:

- ایران و محور مقاومت و هلال شیعی
- چین و بخشی از جریان جهانی سازی اقتصاد که چینی‌ها برای آن سوار هستند

اما با توجه به تک دوره ای شدن ریاست جمهوری ترامپ و با یادآوری تک دوره ای بودن ریاست جمهوری کارتر و با توجه کهولت سن بایدن باید افزود در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا حتی اگر ترامپ و یا ترامپیست‌ها از فرآیند انتخابات حزبی آمریکا حذف شوند هم احتمال روی کار آمدن یک جمهوری خواه وجود دارد که در نهایت چالش بین ایران و آمریکا و فشار بر ایران را افزایش خواهد داد، که رئیس جمهوری آینده آمریکا علاوه بر دو مورد فوق با روسیه نیز به دلیل مساله گسترش ناتو به سمت شرق و جنگ اوکراین چالش‌هایی را خواهد داشت.

این مساله دور از ذهن نیست که تداوم تحولات اوکراین، تداوم چالش‌های چین و آمریکا جامعه رای آمریکا را به سمت روی کار آمدن یک رئیس جمهوری اقتدارگرا و چه بسا بازگشت ترامپ سوق بدهد. پس در نهایت باید افزود که بهتر است که در درجه اول بازوها و لابی‌های اقتصادی چین در آمریکا و سیاست ورزی‌های ایران و روسیه در آمریکا در راستای این مساله باشد که در دور بعد نیز یک رئیس جمهوری دموکرات در آمریکا بر سر کار بیاید زیرا بازنده اصلی روی کار آمدن یک جمهوری خواه هر سه کشور خواهند بود، اما مسئولان کشورمان نیز باید تمهیدات و پیش بینی‌های لازم را برای روی کار آمدن یک رئیس جمهور جمهوری خواه و در حالت بدتر بازگشت ترامپ یا ترامپیسم را داشته باشند.

ویژه

کوچ دختران افغان به ایران برای تحصیل

نشریه میدل ایست آی در گزارشی نوشت، از زمانی که طالبان به وعده خود مبنی بر بازگرداندن دختران به کلاس درس عمل نکردند، بسیاری از خانواده‌های افغان برای تحصیل دختران شان به ایران نقل مکان کرده‌اند.

این نشریه در مقاله‌ای می‌افزاید: تعداد فزاینده‌ای از خانواده‌های افغان پس از آن که دولت طالبان به وعده خود مبنی بر اجازه رفتن دختران به مدرسه در ماه مارس عمل نکرد، به کشور همسایه ایران پناه برده‌اند. اکنون بیش از هشت ماه است که دختران در افغانستان اجازه تحصیل در مدارس متوسطه را ندارند.

به دختران که در ابتدا به دلیل آشفتگی در کشور پس از خروج ایالات متحده در اوت ۲۰۲۱ و بازگشت طالبان به قدرت، به مدت شش ماه از کلاس درس دور مانده بودند مکرراً گفته می‌شد که می‌توانند تحصیلات خود را در آغاز سال تحصیلی جدید از سر بگیرند. اما روز چهارشنبه ۲۳ مارس، در حالی که هزاران دختر نوجوان در سراسر افغانستان به مکتب بازگشتند، طالبان در آخرین لحظه تصمیم خود را تغییر دادند. نگهبانان طالبان که در خارج از مدارس مستقر شده بودند، ورود آنها را ممنوع کردند و دانش آموزان را در حالی که کتاب‌هایی در دست داشتند، با چشمانی گریان به خانه‌هایشان برگرداندند. نیلوفر، ۳۱ ساله، یک معلم در ولایت هرات گفت که طالبان به دخترها نگاه می‌کردند و می‌گفتند: «به خانه بروید».

منابعی که با میدل ایست آی در شهر مشهد شمال شرق ایران صحبت کردند، گفتند که ثبت نام در مدارسی که پذیرای پناهجویان افغانی هستند در شش هفته گذشته به ویژه برای دختران جوان افزایش یافته است.

یکی از مدیران این مدارس گفت که اگرچه تحصیل ممکن است عامل اصلی کشاندن مردم به سمت ایران نباشد، اما عامل مهمی است. مدیر مدرسه که نخواست نامش فاش شود، تصریح کرد اگر تحصیلات دلیل شماره یک برای آمدن این خانواده‌ها به اینجا نباشد، قطعاً دلیل بعدی است.» این گزارش ادامه می‌دهد: در ماه‌های اخیر گروه تروریستی (داعش) حملات گستاخانه‌ای را به مدارس، مراکز آموزشی و عبادتگاه‌ها در چندین ولایت افغانستان انجام داده‌اند.

این حملات علیرغم ادعاهای مکرر طالبان مبنی بر اینکه پس از به قدرت رسیدن آنها و پایان اشغالگری تحت رهبری ایالات متحده، سرانجام امنیت به کشور بازخواهد گشت، انجام شد.

با این حال، یک سازمان بین المللی گفته است که نزدیک به ۲۰ میلیون افغان، یا ۴۷ درصد از جمعیت، به دلیل رکود اقتصادی، خشکسالی، کاهش کمک‌ها و محرومیت واشنگتن از میلیاردها دارایی افغانستان پس از بازگشت طالبان به قدرت، با ناامنی غذایی روبرو هستند. زینب سجادی مدیر یک مدرسه غیردولتی برای پناهندگان افغان در مشهد، به میدل ایست آی گفت که از زمان تسلط طالبان در تابستان گذشته، ثبت نام دانش آموزان بدون مدرک افزایش یافته است. ما صدها داش اموز جدید را پذیرفتیم. سجادی ۴۱ ساله گفت: کلاس‌های درس ما کاملاً پر است.

معلمان در حال انجام شیفت‌های اضافی

سجادی گفت که مدرسه شروع به برگزاری سه شیفت کلاس در روز کرده است که معلمان به صورت داوطلبانه و بدون حقوق اضافی دروس اضافی را تدریس می‌کنند. او گفت: «حتی اگر به تدریس در سه شیفت در روز ادامه دهیم و به ثبت نام دانش‌آموزان ادامه دهیم، هنوز هزاران دانش‌آموز دیگر نمی‌توانند به مدرسه بروند.

آنها باهوش ترین دانش آموزان مدرسه ما هستند. من می‌توانم ببینم که آنها چقدر برای تحصیل مشتاق هستند. زینب سجادی اظهار داشت: ۶۰ درصد شاگردان مکتب سجادی دختران افغان هستند. سجادی با بیان اینکه سفر به ایران برای افغان‌ها با خطرات و مشکلاتی همراه است، تصریح کرد: پرداخت پول به قاچاقچیان برای انتقال در آن سوی مرز ممکن است برای هر نفر بیش از ۴۰۰ دلار هزینه داشته باشد و با محدودیت‌های بانکی برای برداشت هفتگی و میلیون‌ها نفر بیکار یا کاهش شدید دستمزد از زمان بازگشت طالبان به قدرت، چنین هزینه‌هایی فراتر از درامد بسیاری از افغان‌ها است.

پولیتیک

انتقاد دستیار وزیرخارجه از سطح روابط ایران و قطر

دستیار ویژه وزیر خارجه با بیان اینکه روابط اقتصادی ایران و قطر اصلا زیبنده نیست، اظهار کرد: با توجه به روابط دریایی نزدیک با قطر، بستر خوبی برای صادرات محصولات و کالاهای ایرانی مهیاست.

به گزارش ایسنا به نقل از رادیو گفت‌وگو، عبدالله سهرابی در خصوص راهبردهای دو کشور قطر و ایران به برنامه «رویداد» گفت: بعد از انقلاب نامحرمان منطقه که سفره خود را کمرنگ دیدند، با شکل دادن شورای همکاری خلیج فارس نهادی را در تعارض با جمهوری اسلامی طراحی کردند. در این میان قطر از ابتدای پیروزی انقلاب نظام ایران را به رسمیت شناخت و به این جمع بندی رسیدند که با ایران باید روابط تجاری و دو طرفه داشته باشند. وی با اشاره به پیشینه ارتباط دو کشور و دو ملت گفت: ۲۷ سال گذشته برای شرکت در اجلاس ۱۹۹۵ با پدر بزرگ امیر فعلی قطر ملاقات داشتیم و می‌گفت زمانی که ما در بحران قرار گرفتیم، مردم ایران در بوشهر حتی درختان شان را بریدند و برای از بین نرفتن دام‌ها، به ما کمک کردند. بنا بر این نقل قول قطری‌ها در بندرگاه خود چشم به راه می‌نشستند تا ایرانی‌ها برایشان آب و روغن بیاورند. سهرابی با بیان این مطلب افزود: همواره نوعی نگاه تاریخی نسبت به کمک‌های ایران وجود داشته و تصور می‌کنم سفر شیخ تمیم به تهران در بهترین زمان ممکن صورت گرفته است. قطر نیز با همین سبقه تاریخی و نمایاندن خود در معادلات سیاسی منطقه و نیز جنگ اعراب در مقابل اسرائیل، گفت: امیر قطر پیشتر به صورت خصوصی به بنده گفته بود ایرانی‌ها باید ما را حلال کنند چون در جنگ تحمیلی به اشتباه از صدام حمایت کردیم. چنین سخنی از زبان یک مسئول ارشد بسیار مهم است و هوشمندی دولت قطر این است که اوضاع و احوال منطقه را درک کرده‌اند.

وی با بیان این که ایران همواره سیاست خود را اعلام نموده ولی متاسفانه عده ای امروز خود را در دامان رژیم صهیونیستی انداخته و منطقه را فراموش کرده‌اند، گفت: این کشورها ناخودآگاه در بستر دشمن قرار می‌گیرند. سهرابی درخصوص دیدار امیر قطر با رهبری اظهار کرد که وقتی ملاقات با پدرِ امیر سابق را در دستور کار داشتیم، به نکته‌ای از رهبری اشاره و درخواست شد که آقای خامنه‌ای نصیحتی بکنند. وی ادامه داد: وقتی امیرپدر چنین درخواستی داد، رهبری گفتند یک جمله برای شما و دوستان تان در منطقه دارم. - درست مثل زمانی که حضرت امام(ره) پیامی به رئیس شوروی وقت داده بودند- رهبری گفتند شما اعتمادتان را به خدا بیشتر کنید.

این تحلیلگر حوزه منطقه به بخشی از این سخنان اشاره کرد که به عدم دخالت خارجی‌ها در منطقه تاکید دارد و دیگر این که سطح روابط دو کشور بسیار پایین است و باید چندین برابر شود. سهرابی یادآوری کرد: روابط اقتصادی دو کشور اصلا زیبنده نیست و با توجه به روابط دریایی نزدیک با قطر، بستر خوبی برای صادرات محصولات و کالاهای ایرانی مهیاست.

رویداد

تاکید باکو بر حضور ایران در بازسازی قره باغ

در تماس تلفنی حسین امیر عبداللهیان وزیر امور خارجه کشورمان و «جیحون بایرام‌اف» وزیر امور خارجه جمهوری آذربایجان، طرفین در خصوص توسعه همکاری‌ها در حوزه های مختلف روابط دو کشور گفتگو و تبادل نظر کردند. به گزارش ایسنا، وزیر امور خارجه کشورمان در این تماس، ماموریت مشترک وزارت خارجه های دو طرف در توسعه مناسبات سیاسی را مورد تاکید قرار داد.

وی با اشاره به ملاقات سال گذشته روسای جمهور دو کشور تصریح کرد: توافقات مهمی در سطح روسای جمهور صورت گرفته است که اجرای کامل آن در دستور کار مشترک تهران و باکو قرار دارد.

وزیر امورخارجه برگزاری موفق کمیسیون مشترک اقتصادی در باکو را از جمله پیشرفت‌های مهم اخیر در توسعه مناسبات دوجانبه عنوان کرد.

وزیر امور خارجه در بخش دیگری از این گفتگوی تلفنی به برگزاری مجمع پارلمان های اکو در جمهوری آذربایجان پرداخت و ابراز امیدواری کرد: اجلاس پیش رو موجب ارتقاء بیش از پیش سازمان همکاری اقتصادی (اکو) شود.

جیحون بایرام‌اف نیز با اشاره به لزوم توسعه مناسبات فیمابین و اعلام آمادگی برای تداوم سفرهای دیپلماتیک و تقویت مناسبات سیاسی در سطوح مختلف، بر روابط نزدیک و خدشه ناپذیر دو کشور تاکید کرد.

وی با اشاره به توافقات دو رییس جمهور ، حضور شرکتهای ایرانی در بازسازی قره باغ را گام مهمی در این فرایند دانست. طرفین در این تماس تلفنی بر اهمیت تداوم رایزنی و همکاری های منطقه ای و بین المللی و دور نگهداشتن روابط از توطئه دشمنان دو ملت و دو کشور تاکید کردند.